

عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان: کاربرد نظریه بنیانی

علی پیرامون^۱، مسعود برادران^{۲*}، مسلم سواری^۳

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴)

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و از نظریه بنیانی (گراندد تئوری) به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. محدوده این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل مدیران و هنرآموزان هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان بودند. مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند شروع شده و در طی تکامل طبقات، با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۵ نفر مدیر و ۲۵ نفر هنرآموز کشاورزی بوده که در پنج هنرستان کشاورزی استان خوزستان مشغول به فعالیت بودند. سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر روی داده‌ها انجام شد. نتایج نشان داد که مهم‌ترین مشکلات هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان شامل موانع خانوادگی (۳ مقوله فرعی)، پژوهشی (۱ مقوله فرعی)، آموزشی (۵ مقوله فرعی)، انگیزشی (۳ مقوله فرعی)، نهادی (۱۳ مقوله فرعی)، آگاهی و نگرشی (۳ مقوله فرعی)، مدیریتی (۵ مقوله فرعی) و مالی (۳ مقوله فرعی) بود (جمعاً ۳۶ مقوله فرعی). لذا، می‌توان از طریق شناسایی مشکلات و موانع باعث مشارکت منسجم‌تر مدیران و هنرآموزان در جهت بهبود کیفیت آموزش هنرستان‌های کشاورزی و افزایش انگیزه و علاقه ذی‌نفعان به کسب دانش بخش کشاورزی شد.

واژه‌های کلیدی: هنرستان کشاورزی، نظریه بنیانی، خوزستان.

^۱ دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی پایدار و محیط‌زیست، گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی، ایران.
^۲ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی، ایران.
^۳ استادیار و عضو هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: baradaran@asnrukh.ac.ir



یکی از نیازهای ضروری برای توسعه بخش کشاورزی، افزایش دانش، آگاهی و بهبود مهارت‌ها است. در این بخش، نقش آموزش در توسعه و بهبود ظرفیت‌های تولیدی دارای اهمیت است. به عبارتی، آموزش کشاورزی بر توسعه و ایجاد علوم کشاورزی جدید جهت بهبود کیفیت نیروی انسانی تأکید دارد (Stripling & Ricketts, 2016). از جمله نهادها و مؤسساتی که می‌توانند بر کارایی نیروی انسانی بخش کشاورزی تأثیر بگذارند، مراکز آموزش کشاورزی و هنرستان‌های کشاورزی هستند. این مراکز با اهداف افزایش کیفیت و تقویت مهارت نیروی انسانی بر افزایش تولیدات کشاورزی، اشتغال پایدار و پایداری اقتصادی تمرکز دارند، اما متأسفانه در کشور ما از همان ابتدا به نقش و اهمیت این مراکز آموزشی در تربیت نیروی انسانی متخصص که برای رفع نیازهای اقتصادی کشور مورد نیاز هستند، توجه چندانی نشده است (Taghibaygi et al., 2014). آموزش علوم کشاورزی به هنرآموزان در سطح هنرستان‌های کشاورزی نیازمند توجه به بخش‌های نظری و عملی در جهت بهبود کیفیت آموزش می‌باشد (Ikeoji et al., 2007). از طرفی، فراهم نمودن امکانات و زیرساخت‌های آموزشی در جهت توسعه دانش، آگاهی، تقویت وضعیت جسمانی و مهارت‌های فکری هنرجویان کشاورزی در هنرستان‌های کشاورزی دارای اهمیت است (Franklin, 2008)؛ اما مطالعات مختلف نشان می‌دهد طی سال‌های گذشته آموزش حرفه‌ای در سطح هنرستان‌های کشاورزی با افت تحصیلی هنرجویان روبه‌رو بوده است (Kantrovich, 2010). می‌توان گفت عملکرد پایین و ضعیف هنرستان‌ها و مدارس کشاورزی متأثر از عوامل مختلف است. در رأس همه آن‌ها نبود زیرساخت‌های آموزشی نظیر کتابخانه، اراضی کشاورزی؛ انگیزه پایین هنرجویان و نداشتن هنرآموزان با کیفیت علمی بالا می‌باشد (Twenter & Edwards, 2017)؛ Duncan et al., 2006؛ Luekens et al., 2004). طبیعتاً، اگر ذی‌نفعان هنرستان‌های کشاورزی هر کدام وظایف خود را به درستی انجام دهند چالش‌ها و مشکلات پیش رو آن‌ها به حداقل خواهد رسید. یکی از مسائل و مشکلات این مراکز آموزشی پایین بودن انگیزه تحصیلی هنرجویان می‌باشد. تقویت انگیزه افراد می‌تواند روی کارآفرینی و مهارت‌های کارآفرینانه آن‌ها تأثیر بگذارد (Taghibaygi et al., 2014). عملکرد پایین و ضعیف هنرستان‌ها و مدارس کشاورزی نیز مرتبط با بداخلاقی و بدرفتاری هنرجویان، ناتوانایی والدین در مشاوره دادن به هنرجویان و ناکارآمدی نظام آموزشی است (Enwereji et al., 2017). از طرفی، کمبود هنرآموزان کشاورزی با تجربه بالا روی اهداف و برنامه‌های هنرستان‌ها و مراکز آموزش کشاورزی نیز تأثیر گذاشته است (Ingram et al., 2018). واقعیت این است که بهبود عملکرد علمی در ابعاد آموزشی و پژوهشی هنرستان‌های کشاورزی، وابسته به ذی‌نفعان مختلف است. این ذی‌نفعان شامل: هنرجویان، هنرآموزان، والدین، کارکنان غیرآموزشی و دولت هستند (Tsikati & Motsa et al., 2019)؛ که با یادگیرنده‌ها جهت توسعه شایستگی‌های علمی و عملی آن‌ها ارتباط مستقیم دارند. سایر ذی‌نفعان تأثیرگذار روی عملکرد علمی هنرستان‌ها؛ وزارت آموزش و پرورش، جامعه، شرکت‌ها، صنایع و انجمن‌ها هستند (Shannon & Bylsma, 2007). در این بین، وزارت آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده‌ای از طریق اتخاذ سیاست‌های لازم جهت بالا بردن یادگیری و عملکرد علمی هنرستان‌ها ایفا می‌کند (Moswela, 2014). اما شواهد نشان می‌دهند که چالش‌هایی مانند بیکاری هنرجویان، ناهمخوانی شغل با تخصص افراد، انتقال نیافتن مناسب هنرجویان به بازار کار، وجود هنرجویان ناکارآمد و ناهماهنگی میان مهارت‌های هنرجویان با نیازهای بازار کار از جمله محدودیت‌های نظام آموزش متوسطه کشاورزی است که بخش عمده‌ای از این مشکلات و تنگناهای هنرستان کشاورزی در تربیت نیروی انسانی ماهر، ریشه در کیفیت آموزش دارد (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۴). مسئله دیگر، تقویت و فراهم نمودن نیازهای حرفه‌ای هنرآموزان در هنرستان‌های کشاورزی است که اهمیت اساسی دارد (Easterly & Myers, 2017). اما برخی از هنرآموزان به خاطر حمایت ضعیف اداری شغل خود را ترک کرده‌اند (Boone & Boone, 2009)؛ زیرا زیرساخت‌های اداری مناسب جهت کسب دانش و مهارت‌های جدید علمی و انتقال به هنرجویان فراهم نیست (Sorensen et al., 2014). در واقع، عدم تأمین اعتبارات مالی لازم، نبود نظام ارزشیابی آموزشی و پژوهشی، علاقه اندک برخی از هنرجویان، فشار زیاد روی هنرجویان و هنرآموزان جهت حضور در مباحث نظری در مقایسه با فعالیت‌های عملی، نبود تجهیزات و ابزارآلات صنعتی مورد نیاز، هنرستان‌های کشاورزی را با مشکلات متعددی مواجه کرده است (Ikeoji et al., 2007). این در حالی است که پتانسیل ذاتی هنرآموزان کشاورزی هنرستان را می‌توان از طریق آموزش با کیفیت بالا تقویت کرد تا از طریق مهارت‌هایی که کسب می‌کنند ظرفیت‌ها و دانش خود را جهت تأمین امنیت غذایی بکار بگیرند (Njura et al., 2020).

بررسی پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که تقویت مهارت‌های مختلف هنرجویان و عملکرد و کارایی علمی هنرستان‌های کشاورزی وابسته به میزان مشارکت والدین، محیط هنرستان‌ها (Narad & Abdullah, 2016)، امکانات و تجهیزات یادگیری، تجربیات مشاهده‌ای هنرجویان (منوری فرد و علی بیگی، ۱۴۰۰)، بازخورد اقتصادی - اجتماعی از قبیل محل احداث هنرستان و امکانات فیزیکی خوب نظیر کلاس‌ها، کتابخانه‌ها و اتاق‌های کار است (Kibaara & Ndirangu, 2014). افزون بر این، فراهم نمودن زیرساخت‌های آموزشی نظیر کلاس درس، ماشین‌آلات کشاورزی مورد نیاز، زمین کشاورزی مناسب و مراکز عرضه محصولات کشاورزی، زمینه را جهت توسعه دانش و تقویت مهارت‌های یادگیری هنرآموزان کشاورزی مهیا می‌کند (Twenter & Edwards, 2017). با توجه به اینکه هنرآموزان و هنرجویان کشاورزی با چالش‌هایی نظیر عدم توسعه دانش آن‌ها، عدم کارایی تدریس و طراحی ناموفق برنامه‌های آموزش هنرستان‌های کشاورزی روبرو هستند (DiBenedetto *et al.*, 2018)؛ در سطح جهان تلاش‌هایی جهت توسعه حرفه‌ای آن‌ها در جهت پیشرفت علمی هنرستان‌ها، بهبود کیفیت علمی هنرآموزان و بالا بردن موفقیت‌های هنرآموزان مورد نیاز است (Opfer & Pedder, 2011).

انگونین و همکاران (Otegunrin *et al.*, 2019) در پژوهش خود با عنوان بررسی موفقیت‌های علمی و نگرشی در عملیات کشاورزی هنرستان‌های کشاورزی ایبادان نیجریه نشان دادند که زمین‌های کشاورزی در دسترس هنرستان‌ها جهت استفاده عملیاتی هنرجویان و انجام آزمایش‌های میدانی به اندازه کافی نیست و کمبود آن‌ها در موفقیت علمی هنرآموزان کشاورزی تأثیر مهمی دارند. در همین راستا، بر طبق پژوهش‌های فانو، برای بالا بردن کیفیت آموزشی هنرآموزان روستایی و شهری توجه به یادگیری فعال و تجربیات عملی در زمینه تولیدات غذایی و مدیریت منابع طبیعی اهمیت دارد (FAO, 2018). دبیندتو و همکاران (DiBenedetto *et al.*, 2018) نیز نشان دادند که مهم‌ترین نیازهای هنرآموزان کشاورزی از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۱۵ در آمریکا؛ فناوری رایانه، ارتباطات عمومی، مدیریت رفتار هنرآموزان و مدیریت پروژه‌های آموزش کشاورزی در سطح هنرستان‌ها هستند و فراهم بودن آن‌ها تقویت و پیشرفت هنرستان‌های کشاورزی را به دنبال دارد. کیلان و اکرسون (Ceylan & Akerson, 2014) نشان دادند که عملکرد علمی هنرآموزان تحت تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی، خانواده‌های آن‌ها، شیوه‌های تدریس، فعالیت‌های درسی و نگرش‌های آن‌ها می‌باشد. چکدم (Chukwudum, 2013) نیز تأکید داشته است که اراضی کشاورزی هنرستان‌ها (مزارع دامپروری و کشاورزی) و آزمایشگاه‌های علوم کشاورزی دو مکان مهم برای یادگیری عملی هنرجویان هستند و نبود آن‌ها پیشرفت علمی هنرستان‌های کشاورزی را با چالش‌هایی جدی مواجه می‌سازد. اینگرام و همکاران (Ingram *et al.*, 2018) نیز، بکارگیری و استخدام هنرآموزان با تجربه کشاورزی بالا و حفظ آن‌ها در حرفه آموزش کشاورزی باعث حل مشکلات هنرستان‌های کشاورزی می‌گردد. در بسیاری از موقعیت‌های آموزشی، هنرآموزان کشاورزی با انواع مشکلات روبرو هستند. موفقیت یا شکست هنرآموزان کشاورزی به توانایی آن‌ها در حل این مسائل و مشکلات بستگی دارد. یکی از راه‌های بهبود کیفیت آموزش کشاورزی جلوگیری از ترک حرفه آموزشگری هنرآموزان کشاورزی است (Luekens *et al.*, 2004)؛ که از طریق ارائه خدمات درونی و بیرونی فراهم می‌گردد (Boone & Boone, 2009) و حمایت از هنرآموزان کشاورزی در جهت کمک به بهبود این وضعیت باعث تداوم تقاضا جهت ورود آنان به برنامه‌های آموزش کشاورزی می‌گردد (Foster *et al.*, 2016).

در ایران نیز، بسیاری از پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که هنرستان‌های کشاورزی به ویژه هنرآموزان و هنرجویان آن‌ها با مشکلات خاص و متعددی روبرو هستند. کمبود نیروی انسانی متخصص، مدیریت ناکارآمد، کم بودن طول دوره آموزش، عدم استقبال دانش آموزان مستعد و سخت و پرهزینه بودن آموزش کشاورزی در مقایسه با سایر رشته‌ها (تقی بیگی و خسروی پور، ۱۳۹۹)، استفاده کم از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح هنرستان‌ها (زارع و همکاران، ۱۳۹۶)، محتوای برنامه آموزشی، کیفیت برنامه، کارآموزی و روش‌های گزینش هنرجویان و کارآموزان، نحوه اجرا و اعمال مشاوره و راهنمایی‌های شغلی (مؤذن و موحد محمدی، ۱۳۸۸) از مهمترین چالش‌های پیش رو هنرستان‌های کشاورزی ایران می‌باشند. موحدی و همکاران (۱۳۹۲) با آسیب‌شناسی ابعاد آموزشی هنرستان‌های کشاورزی استان‌های همدان و کردستان نشان دادند که مشکلات پیش‌آمده در سطح هنرستان‌ها از نظر آموزشی در پنج بعد شامل: برنامه‌ریزی و محتوای دروس کشاورزی، روش‌های تدریس، وسایل و امکانات، مهارت معلمان کشاورزی و شیوه‌های ارزشیابی، می‌باشد. از مهم‌ترین این مشکلات

می‌توان به کمبود امکانات و وسایل، قدیمی بودن وسایل موجود، کم‌اهمیت بودن روش‌های ارزشیابی عملی، مشکل پیدا کردن کار برای دانش‌آموختگان، عدم استفاده از روش‌های فعال و فناوری‌های نوین و برنامه‌ریزی نامناسب دروس کشاورزی اشاره نمود. تقی‌بیگی و خسروی‌پور (۱۳۹۹) با آسیب‌شناسی هنرستان‌ها و مراکز آموزش کشاورزی از نظر هنرجویان، مدیران و آموزشگران عدم تناسب محتوا با نیاز بازار، ساختار آموزشی انعطاف ناپذیر، تنوع کم مطالب، زیاد بودن حجم دروس عمومی و به روز نبودن اطلاعات معلمان را مهمترین چالش‌های پیش‌رو این مراکز مطرح کردند. همچنین، مرادی و عمانی (۱۳۹۷) از طریق شناسایی موانع و راهبردهای بهبود نظام آموزشی هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان نشان دادند که ناامیدی و نگرانی نسبت به آینده شغلی، ضعیف بودن هنرجویان در دروس پایه و کم‌توجهی جهت کیفیت‌بخشی به آموزش، از مهم‌ترین موانع بهبود کیفی نظام آموزشی هنرستان‌های کشاورزی خوزستان بودند.

هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان نیز در مقایسه با مدارس عادی از وضعیت آموزشی مطلوبی برخوردار نیستند. افت تحصیلی به صورت مردودی، تجدیدی، قبولی با استفاده از تبصره در دروس اصلی و پایه، پایین بودن سطح سواد و دانش در بین قبول‌شدگان، همچنین پایین بودن درصد دروس پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و نیز نبود شانس برابر برای عبور از فیلتر آزمون‌های استخدامی ادارات و شرکت‌ها، در این مراکز بیشتر مشاهده می‌شود (زنده، ۱۳۹۸). بخش عمده مطالعات انجام شده حاکی از آن است که انتخاب فراگیران مراکز آموزش کشاورزی مبتنی بر انگیزه، علاقه و داشتن تجربه کاری در حوزه کشاورزی نیست و یکی از چالش‌های مهم بر سر راه نظام آموزش متوسطه و بویژه نظام آموزش متوسطه در بخش کشاورزی ایران، عدم انطباق و سازگاری لازم بین برون داده‌های نظام آموزشی و نیازهای بازار کار است (شریعت‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳). با توجه به شرایط و عملکرد هنرستان‌های کشاورزی از نظر تربیت و پرورش نیروهای کارآمد و متخصص لازم است عوامل و تهدیدهایی که به روند صحیح آموزش و اهداف مورد انتظار این مراکز آموزشی آسیب می‌رسانند، شناسایی گردند تا با چاره‌جویی جهت رفع نارسایی‌های موجود زمینه‌های بهبود وضعیت آموزشی فراهم گردد (موحدی و همکاران، ۱۳۹۲). به‌طور کلی، این یک واقعیت آشکار و روشن است که هنرجویان هنرستان‌های کشاورزی با توجه به ماهیت رشته‌ای که تحصیل می‌کنند، نقش مهمی در فعالیتهای کشاورزی آتی خواهند داشت؛ اما در مسیر تربیت آن‌ها چالش‌ها و مسائل متعددی از قبیل برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشی، زیرساختی، محیطی و ارزشیابی وجود دارند که شناسایی این مشکلات جهت بهبود کیفیت آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، این پژوهش به دنبال آن است که با بررسی دقیق و علمی مسائل، چالش‌ها و آسیب‌شناسی هنرستان‌های کشاورزی در استان خوزستان، عوامل مؤثر بر عدم موفقیت این مراکز آموزشی در ابعاد مختلف را با استفاده از روش نظریه بنیانی شناسایی و تحلیل نماید. در راستای هدف کلی تحقیق اهداف ویژه پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

۱. شناسایی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان در ابعاد مختلف از دیدگاه مدیران و هنرآموزان
۲. ارائه یک الگوی زمینه‌ای شامل سه بعد شرایط، تعامل و پیامد بر اساس نظریه بنیانی در جهت بالا بردن کیفیت آموزش هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان
۳. تدوین راهبردها، سیاست‌ها و راهکارهای بهبود کیفیت آموزش هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان

روش پژوهش

این پژوهش با پارادایم کیفی و روش داده بنیان انجام شد. محدوده این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ شامل مدیران و هنرآموزان هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان هستند (جدول ۱). مطالعه با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. دو روش برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت: مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یادداشت‌برداری. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی و ساده شروع و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیش رفت و هر مصاحبه حدود ۴۵ تا ۹۰ دقیقه طول کشید. داده‌های به دست آمده از هر مصاحبه جهت کدگذاری باز، محوری و انتخابی به صورت نوشتاری درآمد و به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استراوس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شد. در این مطالعه، در پنج هنرستان کشاورزی با ۵ نفر مدیر و ۲۵ نفر هنرآموز متخصص کشاورزی در سطح هنرستان‌ها مصاحبه انجام شد. در هنرستان‌ها از مصاحبه پانزدهم به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شده است؛

اما برای اطمینان تا بیست و چهارم ادامه یافت. هرچند از مصاحبه بیستم به بعد داده‌ها کاملاً تکراری بوده و به اشباع رسیده بود. سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر روی داده‌ها انجام شد.

جدول ۱- تعداد مدیر و هنرآموز هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان

ردیف	نام هنرستان	مدیر(نفر)	هنرآموز(نفر)
۱	شهید رجایی رامهرمز	۱	۱۳
۲	شهدای خیبر بهبهان	۱	۶
۳	شهید باهنر شوشتر	۱	۱۳
۴	شهید مدرس اهواز	۱	۶
۵	۲۵ آبان سوسنگرد و دشت آزادگان	۱	۶
	جمع	۵	۴۴

یافته‌ها و بحث

نتایج کدگذاری پژوهش، در قالب مفاهیم، زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی در جداول و نگاره‌های ۱، ۲ و ۳ ارائه شده است.

۱- گام اول: کدگذاری باز

تحلیل و کدگذاری: در این مرحله نمونه‌گیری باید به حدی وسیع انجام شود تا پژوهشگر قادر باشد مفاهیم و موانع عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان را در یک موقعیت باز کشف کند. ممکن است از درون مصاحبه‌های انجام شده، کدهای زیادی در خصوص موانع عدم موفقیت هنرستان‌ها استخراج شود، اما وقتی داده‌ها به صورت مرتب مورد بازنگری قرار می‌گیرند، کدهای نهایی مشخص می‌شوند. در این مرحله مفاهیم و کدها بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند و خصوصیات آن‌ها بیان می‌شود. جدول نهایی حاصل از کدگذاری باز شامل دو قسمت است؛ کدگذاری اولیه (کدهای استخراج شده از مفاهیم) به همراه کدگذاری ثانویه.

کدگذاری اولیه: در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها، عنوانی داده می‌شود. سپس همه این عناوین را جدول‌های زیر قرار می‌دهیم. کدگذاری اولیه استخراج شده از مصاحبه‌ها در جدول زیر آمده است. با توجه به اینکه مصاحبه بر مبنای ۵ هنرستان کشاورزی استان خوزستان انجام پذیرفت، کدگذاری اولیه برای هر هنرستان به صورت مجزا ارائه می‌گردد. مطابق با جدول ۲، عمده مفاهیم مستخرج شده از مصاحبه‌ها در قالب هنرستان‌های شهید رجایی رامهرمز، شهدای خیبر بهبهان، شهید باهنر شوشتر، شهید مدرس اهواز و ۲۵ آبان سوسنگرد و دشت آزادگان طبقه‌بندی شده‌اند. به ترتیب هنرستان‌های شهید رجایی رامهرمز با ۲۳ مفهوم، شهدای خیبر بهبهان با ۱۳ مفهوم، شهید باهنر شوشتر با ۱۴ مفهوم، شهید مدرس اهواز با ۱۹ مفهوم و ۲۵ آبان سوسنگرد و دشت آزادگان با ۱۵ مفهوم در مجموع ۸۴ مفهوم را شامل می‌شوند. از میان آن‌ها هنرستان کشاورزی شهید رجایی رامهرمز با ۲۳ مفهوم، بیشترین نقش را در شناسایی عوامل عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان داشته است.

۲- شکل‌دهی طبقات اصلی

پس از تعیین مقولات یا طبقات فرعی، مرحله ساخت طبقات اصلی نظریه است که در جدول زیر ارائه شده است. مطابق با جدول ۳، عمده مفاهیم بیرون آمده از مصاحبه‌ها در قالب ۸ طبقه فرعی شامل موانع خانوادگی (۳ مقوله فرعی)، موانع پژوهشی (۱ مقوله فرعی)، موانع آموزشی (۵ مقوله فرعی)، موانع انگیزشی (۳ مقوله فرعی)، موانع نهادی و فیزیکی (۱۳ مقوله فرعی)، موانع آگاهی و نگرشی (۳ مقوله فرعی)، موانع مدیریتی (۵ مقوله فرعی) و موانع مالی (۳ مقوله فرعی) دسته‌بندی شده‌اند (۳۶ مقوله فرعی). از میان مقولات فرعی ارائه شده، موانع نهادی با ۱۳ مقوله بیشترین نقش را در عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان داشته است. به عبارتی، تعامل و ارتباط محدود هنرستان‌های کشاورزی با نهادهای دولتی و خصوصی، مستهلک بودن و فرسوده بودن تجهیزات و ادوات کشاورزی هنرستان‌ها، نداشتن زیرساخت اینترنتی مناسب جهت استفاده هنرآموزان و هنرجویان، فاصله زیاد هنرستان‌ها و زمین‌های کشاورزی جهت انجام عملیات کشاورزی و نبود آزمایشگاه، کتابخانه، کارگاه‌های آموزشی و آب شرب کشاورزی مناسب در هنرستان‌ها با بیشترین کد فرعی، بالاترین نقش را در عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی داشته است. همچنین، موانع آموزشی با مقولات ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی، نبود آموزش‌های ضمن خدمت برای هنرآموزان، نبود شیوه



عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان: کاربرد نظریه بنیانی

ارزشیابی کارآمد متناسب با نیازها و محتوای علمی در سطح هنرستان، عدم بکارگیری روش‌های تدریس مختلف و عدم تطبیق محتوای آموزشی دروس کشاورزی با شرایط محیطی و موانع مدیریتی با مقولات نبود مشاوران کشاورزی در سطح متوسطه، تعامل و ارتباط محدود هنرستان‌های کشاورزی با نهادهای بیرونی، کمبود نیروی انسانی، عدم مدیریت صحیح در استفاده از منابع و پذیرش دانش آموزان با شرایط جسمی خاص و حتی بیماری‌های روحی و روانی در هنرستان در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

جدول ۲- کدگذاری اولیه حاصل از مصاحبه با مدیران و هنرآموزان هنرستان‌های کشاورزی

نداشتن تبلیغات مناسب جهت جذب هنرجو با کیفیت علمی بالا	
نبود مشوق‌های مناسب برای هنرجویان روستایی از محل درآمد هنرستان‌ها نظیر سرویس ایاب و ذهاب، خرید کتاب و سایر موارد	
عدم حمایت در ابعاد اداری و ستادی آموزش و پرورش در خصوص جذب نیرو	
تعامل و ارتباط پایین هنرستان‌های کشاورزی با اداره آموزش و پرورش استان خوزستان	
وجود مشکل و فاصله زمانی زیاد در وصول درآمدهای هنرستان کشاورزی از آموزش و پرورش	
نداشتن بودجه مناسب و کافی جهت تأمین تجهیزات مورد نیاز هنرستان کشاورزی	
مستهلک بودن و فرسوده بودن تجهیزات و ادوات کشاورزی	
وجود مشکل حقوقی در تنظیم قرارداد طرح‌های مشارکتی هنرستان‌ها با بخش خصوصی	
کمبود نیروی انسانی در بخش حراست و تدارکات هنرستان	
نبود ارتباط بین هنرستان‌ها با مدیران و مشاوران راهنمایی و متوسطه اول جهت آگاه‌سازی دانش آموزان	
عدم تطبیق امکانات هنرستان با محتوای دروس آموزشی	
پایین بودن محتوای علمی و معدل دانش آموزان ثبت‌نام شده در هنرستان کشاورزی	
ثبت‌نام دانش آموزان با معلولیت جسمی و حتی بیماری‌های روحی و روانی در هنرستان و عدم توانایی انجام فعالیت‌های عملی کشاورزی و کار در محیط آزمایشگاهی	
محروم بودن دانش آموزان ساکن روستاها و شهرهای همجوار از امکانات رفاهی و خوابگاهی در ایام کرونا	
عدم آگاهی اکثریت دانش آموزان از وجود رشته‌های کشاورزی در سطح دبیرستان	
فقر مالی اکثریت خانواده‌های هنرجویان و تمرکز آن‌ها روی فعالیت‌های پاره‌وقت غیر کشاورزی در سطح شهر	
ارتباط محدود با مراکز علمی کشاورزی، دانشگاه‌های کشاورزی و بخش‌های صنعتی و تولیدی مرتبط	
عدم همکاری سرپرستان بخش‌ها با هنرآموزان در جهت در اختیار گذاشتن ادوات کشاورزی یا مزرعه به دلایل شخصی	
عدم تطبیق و وفق دادن برنامه‌های هنرستان‌های کشاورزی با برنامه بودجه وزارت	
وجود افرادی با مدارک غیرمرتبط در بدنه هنرستان کشاورزی و نداشتن دانش و آگاهی لازم در زمینه کشاورزی	
کمبود تکنسین‌های کشاورزی در بخش‌های آزمایشگاهی و عملیاتی هنرستان جهت بهره‌مندی از عملیات کشاورزی اعم از آبیاری، باغبانی و وجود معارض دولتی در محدوده اراضی کشاورزی هنرستان جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی (حدود ۴۰ هکتار)	
نداشتن زیرساخت اینترنتی مناسب در هنرستان جهت استفاده هنرآموزان و هنرجویان	
میل و رغبت کم دانش آموزان شهری در هنرستان به دلیل فاصله دور و قرار گرفتن در حاشیه شهر	
حقوق پایین هنرآموزان و پایین آمدن انگیزه آن‌ها	
ثبت‌نام هنرجویان از استان‌های همجوار و مشکل تردد آن‌ها	
نبود سرویس ایاب و ذهاب برای هنرجویان شهری	
فقر مالی اکثریت خانواده‌های هنرجویان	
بومی نبودن هنرآموزان هنرستان و داشتن مشکلات مالی در امر آموزش (برخی از خارج از استان هستند)	
عدم ارتباط هنرستان با نهادهای بیرونی به ویژه دانشگاه‌های کشاورزی و بخش خصوصی	
نداشتن سرانه پژوهشی جهت انجام تحقیقات میدانی توسط هنرآموزان	
پایین بودن سطح دانش هنرجویان پذیرش شده بویژه ادبیات	
نداشتن توانایی لازم جهت انتقال دانش کسب شده به محیط بیرون بویژه بخش کشاورزی	
پایین بودن سطح درک مطالب ارائه شده توسط هنرآموزان	
پایین بودن سطح دانش خانواده‌ها جهت ترغیب هنرجویان به رشته کشاورزی	
واریز درآمد هنرستان به حساب آموزش و پرورش استان و مشکل در برگشت درآمد خود	
پایین بودن علاقه هنرجویان ثبت‌نام شده در هنرستان به کشاورزی	
عدم استقبال دانش آموزان مستعد و با معدل بالا از هنرستان کشاورزی	
در سطح کلان آموزشگاه‌های آزاد از آموزش و پرورش	

ادامه جدول ۲

رویکرد کلی آموزش و پرورش به سمت آموزش کشاورزی در سطح متوسطه نیست	شهبود هنر شومستر
عدم آشنایی مشاوران آموزشی متوسطه با رشته‌های کشاورزی	
نبود ارتباط بین هنرآموزان کشاورزی و مدارس راهنمایی بویژه سوم راهنمایی	
نبود نیروی خدماتی و تکنسین در هنرستان	
عدم تطابق شیوه ارزشیابی با نیازها و محتوای آموزش کشاورزی در سطح هنرستان	
بی‌انگیزه بودن هنرجویان به دلیل نبود بازار کار در بخش کشاورزی	
نبود دوره‌های تخصصی جهت آشنایی هنرآموزان با کتاب‌های جدید، دروس پودمانی و نظام ارزشیابی	
عدم بازدید هنرآموزان و مدیران از نمایشگاه‌ها و همایش‌های کشاورزی جهت آشنایی با دانش جدید کشاورزی	
وابستگی هنرجویان به خانواده‌ها و تمایل کمتر به حضور در خوابگاه‌ها	
نبود سرانه پژوهشی در آموزش و پرورش برای انجام فعالیت‌های پژوهشی توسط هنرآموزان و هنرجویان کشاورزی	
ارتباط و تعامل محدود هنرستان با محیط بیرون بویژه صنایع تبدیلی کشاورزی و بخش خصوصی	۲۵ این سوئسگرد و دشت آزادگان
دور بودن زمین‌های کشاورزی هنرستان از مرکز آموزش و مشکل بودن عملیات کشاورزی برای هنرجویان	
نداشتن نیروی خدماتی و تکنسین کشاورزی جهت کار آزمایشگاه و ادوات کشاورزی	
نبود آزمایشگاه و کارگاه‌های آموزشی مناسب با رشته کشاورزی در هنرستان	
غیرقابل کشت بودن بخش عظیمی از اراضی کشاورزی تحت مالکیت هنرستان کشاورزی و شور بودن آن‌ها (از ۱۸۰ هکتار حدود ۴۰ هکتار قابلیت کشت دارند)	
نیمه‌کاره ماندن هنرستان کشاورزی جدید که با پیشرفت ۷۰ درصدی که در مجاورت اراضی کشاورزی است.	
تمرکز هنرآموزان روی تدریس تئوری کشاورزی به دلیل نداشتن اراضی کشاورزی مناسب و دور بودن آن‌ها	
قرار گرفتن هنرستان در محدوده شهر و غیرقابل بودن فعالیت‌های کشاورزی در آن	
جذب دانش آموزان با سطح علمی بسیار پایین که در سایر رشته‌ها قبول نمی‌شوند	
مستهلك ماندن ادوات کشاورزی و نبود تجهیزات استاندارد آزمایشگاهی	
نداشتن تخصص کشاورزی برخی از نیروهای مرکز	شهبود مدرس آموز
پایین بودن انگیزه دانش آموزان ورودی به هنرستان با توجه به شرایط نامتعارف اشتغال و بازار کار	
عدم گزینش صحیح هنرجویان توسط اداره آموزش و پرورش به دلیل نیاوردن رشته‌های خاص	
پایین بودن وضعیت مالی و معیشتی اکثریت هنرجویان و تمایل به کار کردن پاره‌وقت به‌جای تحصیل جهت رفع موانع معیشتی و اقتصادی خانواده	
نبود سرویس ایاب و ذهاب جهت انجام کارهای عملی کشاورزی به دلیل فاصله دور اراضی تا هنرستان	
ممانعت اداره آموزش و پرورش شهرستان جهت اعطای مجوز کشت اراضی کشاورزی توسط هنرستان	
نداشتن آب شرب کشاورزی جهت انجام عملیات کشاورزی در محدوده اراضی هنرستان	
مشخص نبودن مالکیت مرکز به دلیل فعالیت دو نهاد آموزش‌شده و هنرستان کشاورزی و وجود تنش‌های مالکیتی زیاد بین آن‌ها	
نبود مدیریت صحیح در جهت استفاده بهینه از امکانات هنرستان و حراست از آن‌ها	
نبود بودجه لازم برای ساخت گلخانه، استخر ماهی، ایستگاه دامپروری و سایر جهت آموزش عملی به هنرجویان	
کمبود شدید نیروی انسانی خدماتی و تکنسین کشاورزی	
عدم تعامل شهرداری با هنرستان‌های کشاورزی جهت تأمین آب شرب کشاورزی	
نبود محیط مناسب برای انجام فعالیت‌های میدانی، عملی و گردش علمی	
تمرکز بر روش تدریس سخنرانی به دلیل مهیا نبودن زیرساخت‌های لازم برای عملیات کشاورزی	
عدم تطبیق محتوای آموزشی برخی دروس با شرایط اقلیمی خوزستان	
پذیرش هنرجویان با دانش پایین و علاقه کم آن‌ها به رشته کشاورزی	
نبود زیرساخت‌های لازم جهت استفاده از روش‌های سمعی و بصری مناسب	
نبود زیرساخت‌های اینترنتی مناسب جهت بهره‌مندی مدیر، هنرآموزان و هنرجویان در قالب آموزش از راه دور	
نبود کتابخانه تخصصی کشاورزی جهت بهره‌مندی هنرآموزان و هنرجویان از آن‌ها	
فرسوده‌شدن تجهیزات و ادوات کشاورزی و آزمایشگاهی مرکز	
نداشتن حصار و محدوده مشخص مرکز جهت حفاظت از تأسیسات و تجهیزات آن	
قرار گرفتن هنرستان در محدوده شهر و نبود زیرساخت‌های لازم جهت انجام فعالیت‌های عملی کشاورزی توسط هنرآموزان و هنرجویان	
تعامل محدود با محیط بیرون جهت بازدید میدانی هنرجویان و هنرآموزان از دانشگاه و مراکز آموزش کشاورزی	
مهیا نبود زیرساخت‌های لازم مرکز نظیر آب و ادوات کشاورزی جهت عملیات کشاورزی	
سرقت تجهیزات و ادوات هنرستان کشاورزی به دلیل نداشتن حصار و دیوار حفاظتی	

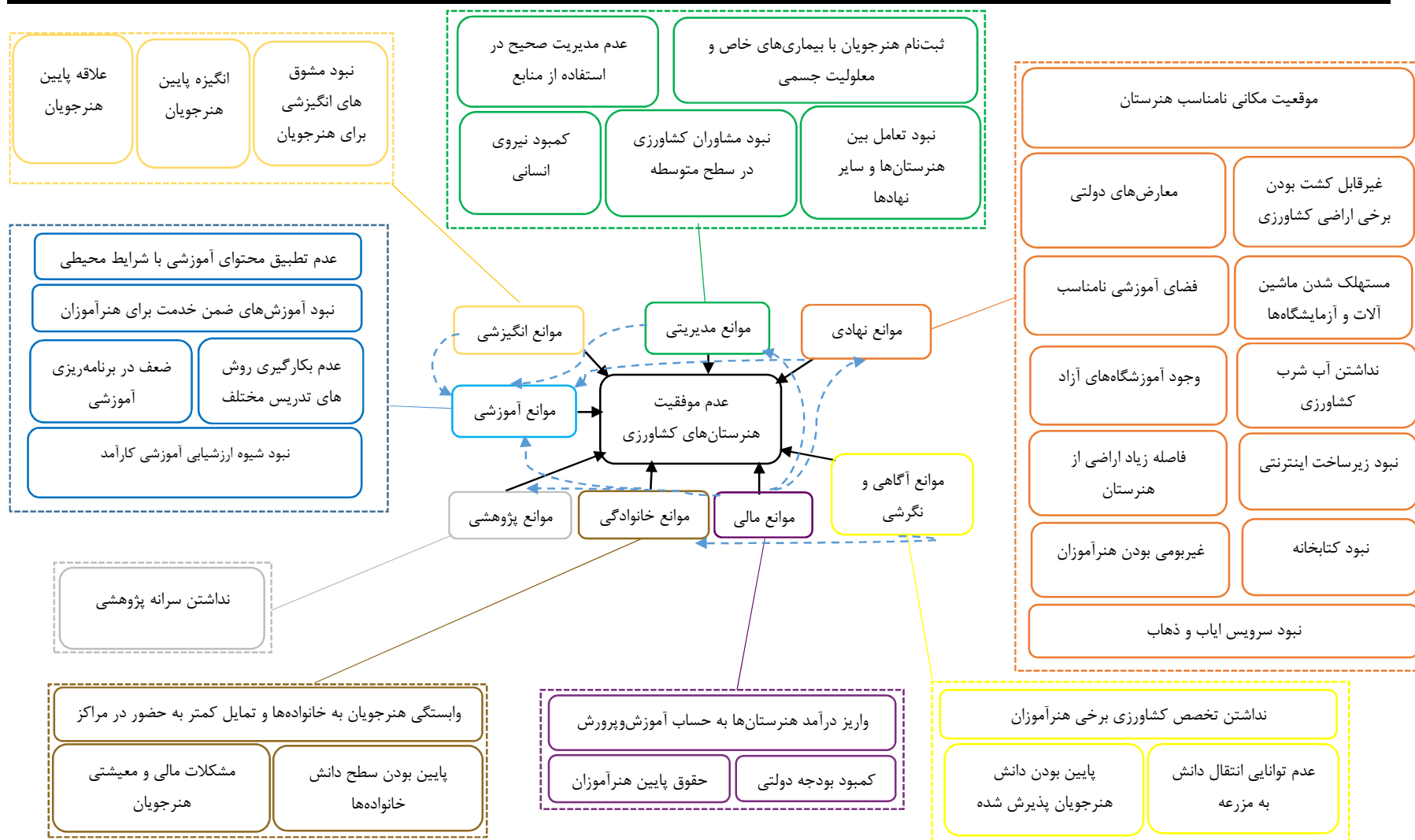


جدول ۳- شکل‌دهی طبقات اصلی از مقولات (طبقات فرعی)

طبقات اصلی	مقولات یا طبقات فرعی	فراوانی
موانع خانوادگی	مشکلات مالی و معیشتی هنرجویان و خانواده‌های آن‌ها	۲۶
	وابستگی هنرجویان به خانواده‌ها و تمایل کمتر به حضور در مراکز	۲۰
	پایین بودن سطح دانش خانواده‌ها جهت ترغیب هنرجویان به رشته کشاورزی	۱۸
موانع پژوهشی	عدم تخصیص سرانه پژوهشی توسط آموزش و پرورش برای انجام فعالیت‌های پژوهشی به هنرستان‌ها	۲۴
	ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی	۲۸
	نبود آموزش‌های ضمن خدمت برای هنرآموزان	۲۱
موانع آموزشی	نبود شیوه ارزشیابی کارآمد متناسب با نیازها و محتوای علمی در سطح هنرستان	۲۴
	عدم بکارگیری روش‌های تدریس مختلف	۲۵
	عدم تطبیق محتوای آموزشی دروس کشاورزی با شرایط محیطی	۲۶
موانع انگیزشی	نبود مشوق‌های مناسب برای هنرجویان روستایی از محل درآمد هنرستان‌ها	۱۷
	انگیزه پایین هنرجویان پذیرش شده در هنرستان‌ها به رشته کشاورزی	۲۴
	علاقه پایین هنرجویان پذیرش شده در هنرستان‌ها به رشته کشاورزی	۲۲
موانع نهادی و فیزیکی	نداشتن زیرساخت‌های لازم برای عملیات کشاورزی	۲۵
	مستهلک شدن ماشین‌آلات و آزمایشگاه‌های کشاورزی	۲۶
	غیربومی بودن هنرآموزان هنرستان (برخی از خارج از استان هستند)	۱۲
	نبود زیرساخت اینترنتی مناسب جهت استفاده هنرآموزان و هنرجویان	۲۲
	فضای آموزشی نامناسب	۱۶
	نبود کتابخانه کشاورزی	۱۹
	نبود سرویس ایاب و زهاب جهت انجام کارهای عملی کشاورزی به دلیل فاصله دور اراضی	۲۱
	فاصله زیاد اراضی کشاورزی از هنرستان جهت انجام عملیات کشاورزی	۱۸
	غیرقابل کشت بودن برخی اراضی کشاورزی	۱۲
	وجود آموزشگاه‌های آزاد	۲۲
موانع آگاهی و نگرشی	موقعیت مکانی نامناسب هنرستان‌ها و فضای آموزشی	۲۶
	معارض‌های دولتی	۱۱
	نداشتن آب شرب کشاورزی	۱۶
	عدم آگاهی اکثریت دانش آموزان از وجود رشته‌های کشاورزی در سطح متوسطه	۲۷
موانع مدیریتی	عدم توانایی انتقال دانش به مزرعه توسط هنرجویان	۲۰
	وجود افرادی با مدارک غیرمرتبط در بدنه هنرستان‌ها و نداشتن دانش و آگاهی کشاورزی	۱۲
	نبود مشاوران کشاورزی در سطح متوسطه	۲۶
	کمبود نیروی انسانی در بخش حراست، تدارکات و تکنسین‌های کشاورزی	۳۰
	تعامل و ارتباط محدود هنرستان‌های کشاورزی با نهادهای دولتی و خصوصی	۲۷
	عدم مدیریت صحیح در استفاده از منابع	۲۱
موانع مالی	پذیرش دانش آموزان با شرایط جسمی خاص و حتی بیماری‌های روحی و روانی در هنرستان	۲۲
	واریز درآمدهای هنرستان‌های کشاورزی به حساب آموزش و پرورش	۳۰
	حقوق پایین هنرآموزان و کارکنان هنرستان‌ها	۲۸
	نداشتن بودجه مناسب و کافی جهت تأمین تجهیزات و ادوات و ساخت ایستگاه‌های کشاورزی	۲۸

۳- گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی بنیانی است. هدف از این مرحله برقراری ارتباط بین طبقه‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. پس از تجزیه و تحلیل مفاهیم، مقولات و طبقه‌ها در مرحله کدگذاری باز و ایجاد ارتباط بین آن‌ها نتایج زیر حاصل گردید. نگاره ۱، خروجی نرم‌افزار مکس کیودا است که با ایجاد ارتباط بین مفاهیم، مقولات و طبقه‌ها در مرحله کدگذاری باز عمده چالش‌ها و مشکلات پیش‌رو هنرستان‌های کشاورزی را در زمینه‌های مختلف نشان می‌دهد.



نگاره ۱- کدگذاری محوری و ترسیم مدل عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی خوزستان



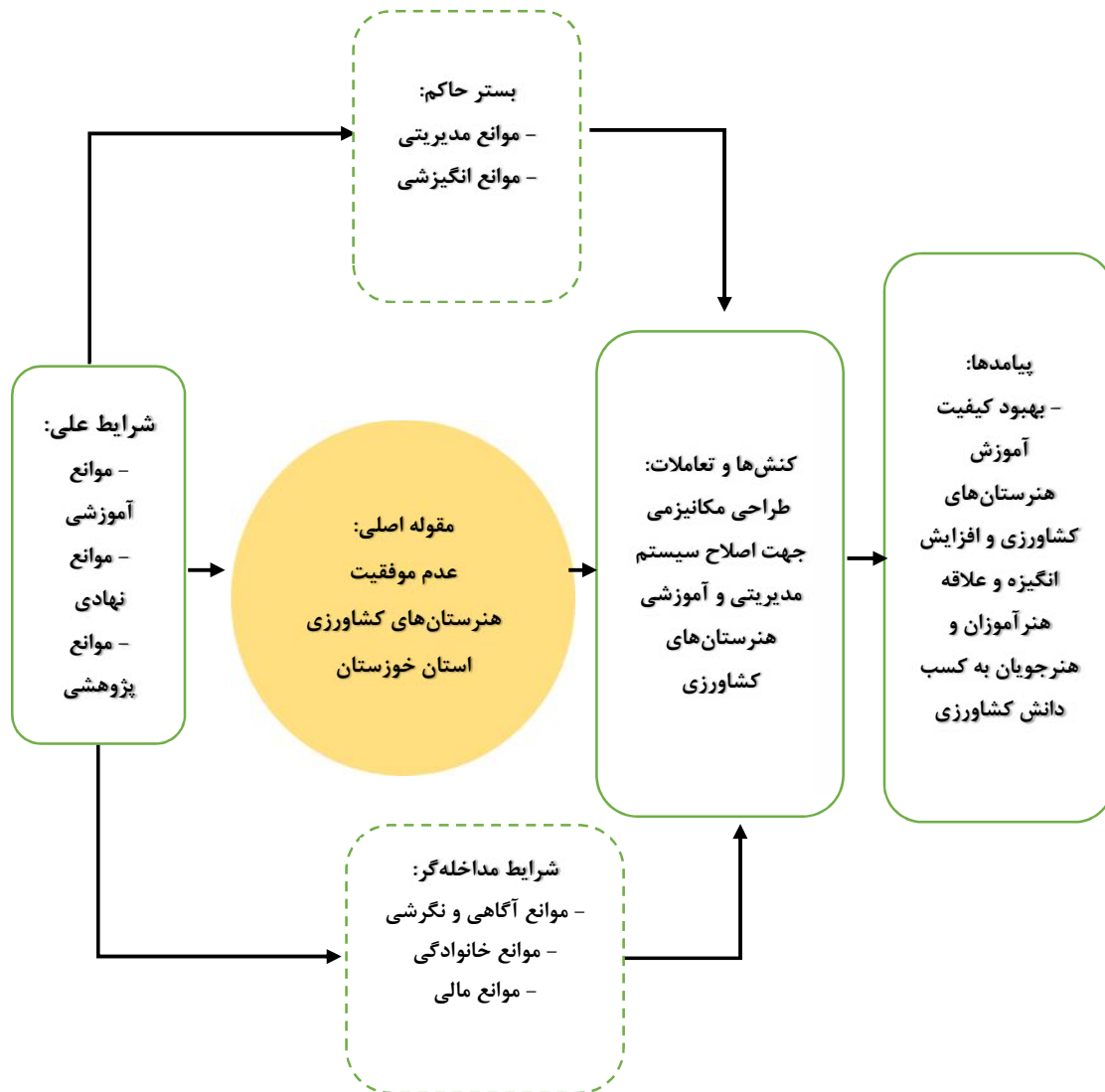
برای تدوین الگو، هسته اصلی الگوی بنیانی پژوهش، پدیده مورد بررسی یا عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی قرار داده شد. سپس، برای ارائه یک الگوی جامع، همگرا و دارای سطح وضوح انتزاعی بالا، مقوله‌های عمده و محوری ترکیب شده و اطراف هسته مرکزی قرار داده شدند. در نهایت با توجه به داده‌های حاصل از کدگذاری باز، محوری و انتخابی؛ الگوی بنیانی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی ترسیم شد. مطابق این الگو در شرایط علی؛ موانع آموزشی، نهادی و پژوهشی بر مقوله اصلی (عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی)، بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر تأثیر گذاشته‌اند و به وقوع یا گسترش پدیده عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی منجر شده است. در شرایط مداخله‌گر؛ موانع آگاهی و نگرشی، مالی و خانوادگی بر راهبردهای کنش و واکنش پدیده اصلی (عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی) اثر گذاشته و آن را تحت تأثیر قرار داده است. در زمینه آگاهی و نگرشی؛ عدم آگاهی دانش آموزان از وجود رشته‌های کشاورزی و عدم توانایی انتقال دانش به مزرعه توسط هنرجویان بیشترین نقش را دارند. در حیطه مالی؛ نداشتن بودجه مناسب و کافی، حقوق پایین هنرآموزان و کارکنان هنرستان‌ها و وجود مشکلاتی در وصول درآمدهای هنرستان‌های کشاورزی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در نهایت در حیطه خانوادگی؛ فقر مالی اکثریت هنرجویان و خانواده‌های آنها و وابستگی هنرجویان به خانواده‌ها و تمایل کمتر به حضور در مراکز تأثیرگذار هستند. با توجه به مدل، عمده موانعی که بستر و زمینه لازم را برای وقوع پدیده مورد نظر فراهم نموده‌اند، موانع مدیریتی و انگیزشی هستند. مهم‌ترین موانع مدیریتی شامل؛ کمبود نیروی انسانی در بخش حراست، تدارکات و تکنسین‌های کشاورزی، تعامل و ارتباط محدود هنرستان‌های کشاورزی با نهادهای بیرونی و نبود مشاوران کشاورزی در سطح متوسطه و ابتدایی می‌باشند. همچنین، مهم‌ترین موانع انگیزشی شامل علاقه و انگیزه پایین هنرجویان به رشته کشاورزی و نبود مشوق‌های مناسب برای هنرجویان هستند. مطابق با الگو، راهبرد ارائه شده جهت اداره و مدیریت پدیده مورد نظر، طراحی مکانیسم اصلاح سیستم مدیریتی است. بر مبنای این راهبرد؛ مدیریت واحد و یکپارچه بر پذیرش هنرآموز و هنرجو، تأمین نیروی انسانی متخصص، تغییر شیوه پذیرش هنرجو، بهره‌گیری از روش‌های سمعی و بصری و مشاوران متخصص جهت آگاه‌سازی هنرجویان، تفویض اختیار به مدیران جهت استفاده از منابع درآمدی مراکز، تقویت ارتباط با محیط بیرون به‌ویژه دانشگاه‌های کشاورزی و نوسازی و بهسازی تجهیزات و ادوات کشاورزی به‌منظور بهبود پدیده مورد نظر (موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان) دارای اهمیت می‌باشند. در نهایت بر مبنای راهبردهای ارائه شده، بهبود کیفیت آموزش هنرستان‌های کشاورزی، افزایش انگیزه و علاقه هنرآموزان و هنرجویان به کسب دانش کشاورزی، تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد در زمینه کشاورزی، تقویت ارتباط هنرستان‌ها با محیط بیرون و تقویت و افزایش ظرفیت پذیرش هنرجو را به دنبال خواهد داشت (نگاره ۲).

۴- کدگذاری انتخابی

هدف این مرحله نظریه‌پردازی در مورد هنرستان‌های کشاورزی است. لذا، برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند؛ بنابراین، کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. کدگذاری انتخابی (بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند (حسنقلی پور و همکاران، ۱۳۸۹). این مدل سازکارهایی را بیان می‌کند که از طریق آن‌ها جامعه هدف (مدیران و هنرآموزان هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان) عمده عوامل و موانع عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی را تشخیص داده و با طراحی و تدوین برنامه‌های مدیریتی منظم و دخالت دادن نظرات و تصمیمات مدیران و هنرآموزان ساختار موجود را اصلاح می‌نمایند. بنابراین برحسب کنش‌ها تعاملات مثبت از طریق شناسایی بستر حاکم، شرایط علی و شرایط مداخله‌ای باعث بهره‌گیری از راهبردها و استراتژی‌های مؤثر خواهد شد و در نهایت مشارکت منسجم در بهبود کیفیت آموزش هنرستان‌های کشاورزی و افزایش انگیزه و علاقه هنرآموزان و هنرجویان به کسب دانش بخش کشاورزی را به دنبال خواهد داشت (نگاره ۳).



نگاره ۲- کدگذاری محوری براساس مدل نظریه بنیانی هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان



نگاره ۳- مدل تحلیلی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از نیازهای ضروری برای توسعه بخش کشاورزی، توجه به آموزش کشاورزی در سطح ابتدایی و متوسطه بویژه هنرستان‌های کشاورزی جهت افزایش دانش، آگاهی و بهبود مهارت‌هاست. اما در این مسیر همواره هنرستان‌های کشاورزی با مشکلات و چالش‌های مختلفی روبرو هستند. یافته‌های این پژوهش نشان داد مهم‌ترین مشکلات هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان شامل موانع خانوادگی (۳ مقوله فرعی)، پژوهشی (۱ مقوله فرعی)، آموزشی (۵ مقوله فرعی)، انگیزشی (۳ مقوله فرعی)، نهادی (۱۳ مقوله فرعی)، آگاهی و نگرشی (۳ مقوله فرعی)، مدیریتی (۵ مقوله فرعی) و مالی (۳ مقوله فرعی) می‌باشند (۳۶ مقوله فرعی). بنابراین، می‌توان از طریق شناسایی مشکلات و موانع در شرایط حاکم، علی و مداخله‌گر باعث مشارکت منسجم در بهبود کیفیت آموزش هنرستان‌های کشاورزی و افزایش انگیزه و علاقه هنرآموزان و هنرجویان به کسب دانش بخش کشاورزی شد. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات موحدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ تقی‌بیگی و خسروی‌پور، ۱۳۹۹؛ مرادی و عمانی، ۱۳۹۷ و ایکوجی و همکاران (Ikeoji et al., 2007) مطابقت دارد.

- در بعد نهادی و فیزیکی؛ یافته‌های حاصل از مصاحبه با مدیران و هنرآموزان نشان داد موانع نهادی با ۱۲ مقوله به عنوان چالش مهم و اساسی در مسیر عدم موفقیت هنرستان‌های کشاورزی در امر آموزش بوده است. به عبارتی، مستهلک بودن ادوات کشاورزی، آزمایشگاه‌ها و کانال‌های آبیاری و نبود زیرساخت اینترنتی مناسب، موقعیت مکانی نامناسب هنرستان‌ها و فضای آموزشی، وجود آموزشگاه‌های آزاد و نبود سرویس ایاب و ذهاب از عوامل نهادی و فیزیکی تأثیرگذار بر هنرستان‌های کشاورزی بوده است. تجهیز و بروز کردن امکانات و تجهیزات ادوات کشاورزی و زیرساخت اینترنتی و تامین سرویس ایاب و ذهاب از طریق اختصاص ردیف بودجه‌ای خاص امکان‌پذیر است که باید مورد توجه قرار گیرد تا کیفیت آموزش عملی هنرجویان تقویت گردد. مسئله مهم‌تر، موقعیت مکانی نامناسب برخی هنرستان‌های کشاورزی در استان خوزستان می باشد که انجام عملیات کشاورزی و تردد هنرجویان و هنرآموزان را با مشکل مواجه کرده است. متأسفانه متأسفانه برخی از این مراکز در شهر واقع شدند که عملیات کشاورزی و بهره‌گیری از دروس عملی را برای هنرجویان مشکل کرده است. بعضاً، عملیات کشاورزی در برخی از این مراکز به دلیل فاصله زیاد بین مرکز و اراضی کشاورزی در سطح بسیار محدودی انجام می‌گیرد. یافته‌های این قسمت از پژوهش با یافته‌های تونتر و ادواردز (Twenter & Edwards, 2017)؛ اکتونرین و همکاران (Otekurin et al., 2019)؛ چوکیدوم (Chukwudum, 2013) و زارع و همکاران، ۱۳۹۶ همخوانی دارد.

- در بعد آموزشی؛ عدم بکارگیری روش‌های تدریس مختلف، نبود شیوه ارزشیابی آموزشی کارآمد، عدم تطبیق محتوای آموزشی با شرایط محیطی و منطقه‌ای، نبود آموزش‌های ضمن خدمت برای هنرآموزان و ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی مورد تأکید اکثریت مصاحبه‌شوندگان بوده است. بی‌شک متناسب‌سازی برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها و تطبیق محتوای دروس کشاورزی با شرایط محیطی و الگوی کشت استان باعث بهبود کیفیت آموزش می‌گردد. از طرفی، استفاده از روش‌های تدریس متنوع و کارآمد نیازمند فراهم بودن زیرساخت‌های لازم بویژه تقویت زیرساخت اینترنتی و تجهیز و اراضی کشاورزی هنرستان‌ها جهت عملیاتی کردن آموزش است. احیا و تجهیز شبکه‌های آبیاری و زهکشی اراضی کشاورزی و تطبیق محتوای آموزشی هم‌راستا با شرایط اقلیمی هر منطقه نیز باید مورد تأکید مدیران مراکز باشد. یافته‌های پژوهش دیندتو و همکاران (DiBenedetto et al., 2018)؛ مؤذن و موحدمحمدی، ۱۳۸۸ و موحدی و همکاران، ۱۳۹۲ بر این موضوع تأکید دارد.

- در بعد مالی؛ کمبود بودجه دولتی، حقوق پایین هنرآموزان و وجود مشکل و فاصله زمانی زیاد در وصول درآمدهای در سطح هنرستان‌های کشاورزی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان باعث پیدایش مشکلات در سایر بخش‌ها نظیر آموزشی، زیرساختی و مدیریتی شده است و بستر حاکم برای پیدایش مشکلات متعدد را فراهم نموده است. این یافته با نتایج مطالعات تقی‌بیگی و خسروی‌پور، ۱۳۹۹ و ایکوجی و همکاران (Ikeoji et al., 2007) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد هنرستان‌های کشاورزی از طریق فعال‌سازی بخش‌های زراعت، دامپروری، باغبانی، پرورش آبی و فراوری محصولات غذایی درآمدزایی می‌کنند اما تفویض اختیار برای استفاده این منابع درآمدی در بخش‌های آموزشی، نهادی و پژوهشی ندارند. لذا ضرورت دارد به‌منظور پیشرفت برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها و تقویت زیرساخت‌ها بهره‌گیری از منابع درآمدی هنرستان‌ها مورد توجه قرار گیرد. مسئله همسان‌سازی حقوق مدیران، هنرآموزان و تکنسین‌ها در جهت تقویت انگیزه آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

- براساس یافته‌های بدست آمده از مصاحبه هنرآموزان و هنرجویان در بعد خانوادگی؛ مشکلات مالی و معیشتی هنرجویان به عنوان مهم‌ترین چالش پیش رو هنرستان‌های کشاورزی مطرح شده است که به شکل‌های مختلف در مسیر علمی هنرجویان تأثیرگذار بوده است. این یافته با نتایج مطالعه اینورجی و همکاران (Enwereji et al., 2017) همخوانی دارد. می‌توان با تقویت فعالیت‌های کارآفرینانه در سطح هنرستان‌های کشاورزی و واگذاری مدیریت اراضی کشاورزی به هنرجویان و مشارکت دادن آن‌ها در این فعالیت‌ها باعث ایجاد درآمد پایدار برای هنرجویان و به دنبال آن تأمین معیشت خانواده‌ها و ترغیب آن‌ها به فعالیت‌های کشاورزی شد.

- در بعد انگیزشی؛ پایین بودن انگیزه و علاقه هنرجویان پذیرش شده و نبود مشوق‌های مناسب برای اکثریت آن‌ها به عنوان عوامل مهم مدنظر مصاحبه‌شوندگان در هنرستان‌های کشاورزی بوده است. یافته‌های پژوهشی ایکوجی و همکاران (Ikeoji et al., 2007)؛ تونتر و ادواردز (Twenter & Edwards, 2017) و دانکن و همکاران (Duncan et al., 2006) بر اهمیت این موضوع

تاکید دارند. فراهم نمودن فضای کسب‌وکار کارآفرینانه برای هنرجویان در سطح مزارع کشاورزی هنرستان‌ها و اختصاص بخشی از درآمد هنرستان‌ها برای هنرجویان یک راهکار مناسب در جهت تقویت انگیزه تحصیلی آن‌ها می‌باشد.

- در بعد آگاهی و نگرشی؛ پایین بودن سطح دانش علمی هنرجویان پذیرش شده در سطح هنرستان‌های کشاورزی از دیدگاه اکثریت مدیران و هنرآموزان هنرستان‌ها چالشی مهم در مسیر آموزشی مطرح بوده است. توصیه می‌گردد هنرستان‌های کشاورزی به مشاوران آموزشی مناسب را جهت ترویج اهمیت کشاورزی در مقاطع ابتدایی و متوسطه بکار بگیرند تا دانش آموزان با سطح علمی بالاتری در رشته‌های کشاورزی ثبت نام نمایند.

- در بعد پژوهشی بویژه در مسیر تحقیقات پژوهشی هنرآموزان بانگیزه و خلاق؛ نبود سرانه پژوهشی در آموزش و پرورش برای انجام فعالیت‌های پژوهشی در بین هنرستان‌های کشاورزی یک عامل مهم در بی‌انگیزه کردن هنرآموزان مطرح بوده است. یافته‌های پژوهشی تونتر و ادواردز (Twenter & Edwards, 2017) و دانکن و همکاران (Duncan et al., 2006) بر اهمیت این موضوع تأکید دارند. می‌توان با اختصاص سرانه پژوهشی از سوی وزارت آموزش و پرورش برای هنرستان‌ها باعث تقویت و توسعه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی در سطح هنرستان‌ها بویژه در بین هنرآموزان شد.

- در بعد مدیریتی؛ نبود روحیه همکاری بین سرپرستان بخش‌ها و هنرآموزان، عدم گزینش صحیح هنرجویان توسط اداره آموزش و پرورش به دلیل نیاوردن رشته‌های خاص، پذیرش دانش آموزان با شرایط جسمی خاص و حتی بیماری‌های روحی و روانی در هنرستان و عدم بازدید هنرآموزان و مدیران از نمایشگاه‌ها و همایش‌های کشاورزی به عنوان چالش‌های پیش رو هنرستان‌ها بوده است. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات اینگرام و همکاران (Ingram et al., 2018)؛ دیندتو و همکاران (DiBenedetto et al., 2018) و منوری فرد و علی‌بیگی، ۱۴۰۰ همخوانی دارد. توجه به مشاوران آموزشی در مقطع ابتدایی و متوسطه جهت بالا بردن دانش و بینش دانش آموزان و تغییر نگرش آن‌ها به سمت رشته کشاورزی بسیار حائز اهمیت است. در این زمینه، توجه به تقویت ارتباط با محیط بیرون بویژه آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و همایش‌های کشاورزی جهت افزایش آگاهی دانش‌آموزان در مورد علم کشاورزی دارای اهمیت است. بی شک ارتباط مناسب و کارآ مدیران و هنرآموزان و بهره‌گیری از مشاوران آموزشی باعث شناسایی دانش آموزان با شرایط جسمی و روحی متناسب با بخش کشاورزی نیز می‌گردد.

منابع

- اسکندری، آ.، زارع، ا.، و شریف‌زاده، م. (۱۳۹۴). کیفیت تدریس و نیازهای آموزشی هنرجویان هنرستان‌های کشاورزی استان فارس. *فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۳۵، صص ۹۴-۱۰۶.
- تقی‌بیگی، م.، و خسروی پور، ب. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی هنرستان‌ها و مراکز آموزش کشاورزی از نظر هنرجویان، مدیران و آموزشگران. *نشریه علمی فناوری آموزش*، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۶۴۲-۶۲۹.
- حسنقلی‌پور، ح.، قلی‌پور، آ.، محمدی قاضی محله، م.، و روشندل اربطانی، ط. (۱۳۸۹). الزامات، ضرورت‌ها و مکانیزم‌های تجاری سازی دانش در دانشکده‌های مدیریت. *مجله مدیریت بازرگانی*، دوره ۲، شماره ۶، صص ۶۰-۴۱.
- زنده، ن. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر در بهبود کیفیت هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان. پایان کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان.
- زارع، ا.، احمدوند، م.، نوشادی، ن.، و شریف‌زاده، م. (۱۳۹۶). تحلیل واکاوی وضعیت شغلی و تحصیلی دانش‌آموختگان هنرستان کشاورزی شهید مطهری شیراز. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۴، شماره ۱، صص ۲۲۸-۲۱۵.
- شریعت‌زاده، م.، چیدری، م.، و نوروزی، ا. (۱۳۸۳). انطباق و سازگاری دوجانبه بین نظام آموزش متوسطه کشاورزی و توقعات بازار کار. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۹۲-۵۵.
- منوری فرد، ف.، و علی‌بیگی، ا. (۱۴۰۰). ارتقای مهارت‌های اندیشه‌گری انتقادی هنرجویان رشته‌های کشاورزی ایران: بکارگیری انگاره‌های شناختی-اجتماعی و نظام‌های خودکار. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۷، شماره ۲، صص ۲۳۴-۲۱۷.



مؤذن، ز. و موحدمحمدی، ح. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نظرات هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های کشاورزی استان تهران نسبت به کتاب‌های درسی تخصصی کشاورزی. سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، مشهد، ۱۱ اسفند ۱۳۸۸، صص ۱۹-۱.

موحدی، ر.، سلیمی‌نژادیان، ع.، سعدی، ح.، و یعقوبی‌فرانی، ا. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ابعاد آموزشی هنرستان‌های کشاورزی استان‌های همدان و کردستان. فصلنامه علمی-پژوهشی ره‌یافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۶۶-۴۵. مرادی، م.، و عمانی، ا. (۱۳۹۷). شناسایی موانع و راهبردهای بهبود نظام آموزشی هنرستان‌های کشاورزی استان خوزستان. فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۲۰-۹.

- Boone, H. N., and Boone, D. A. (2009). An assessment of problems faced by high school Agricultural education teachers. *Journal of Agricultural Education*, 50(1), 21-32.
- Ceylan, E., and Akerson, V. (2014). Comparing the low and high-performing schools based on the TIMSS in the United States. *Education and Science*, 39(173), 299-309.
- Chukwudum, O. (2013). Effective utilization of the school farm as instructional initiative for developing agricultural interest among primary school children in Nigeria. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 2(6), DOI: 10.5901/ajis.2013.v2n6p113
- Duncan, D. W., Ricketts, J. C., Peake, J. B., and Uesseler, J. (2006). Teacher preparation and inservice needs of Georgia agriculture teachers. *Journal of Agricultural Education*, 47(2), 24-35.
- DiBenedetto, C. A., Willis, V. C., and Barrick, R. K. (2018). Needs Assessments for School-based agricultural education teachers: A review of literature. *Journal of Agricultural Education*, 59(4), 52-71.
- Foster, D. D., Lawver, R. G., Smith, A. R., and Thompson, E. C. (2016). National agricultural education supply and demand study 2015 executive summary. Retrieved from: <<https://www.naae.org>>.
- Franklin, E. A. (2008). Description of the use of greenhouse facilities by secondary agricultural education instructors in Arizona. *Journal of Agricultural Education*, 49(3), 34-45.
- FAO. (2018). Eradicating extreme poverty: What is the role of agriculture? Global forum on food security and nutrition (FSN Forum), Available at: <www.fao.org>
- Enwereji, P. C., Mbukanma, I., and Chukwuere, J. E. (2017). Factors affecting low performance of junior learners in a developing country: Southern region of Botswana. *The New Educational Review*, 47(1), 82-93.
- Easterly, R. G., and Myers, B. E. (2017). Characteristics of enthusiastic and growing school-based agricultural education teachers: A Delphi approach. *Journal of Agricultural Education*, 58(2), 1-19.
- Ikeoji, C. O., Agwubike, C. C., and Disi, J. O. (2007). Perceptions of head agricultural science teachers regarding problems and challenges of vocational agriculture delivery in secondary schools in Delta State, Nigeria. *Electronic Journal of Science Education*, 11(2), 6-17.
- Ingram, M. L., Sorensen, T. J., Warnick, B. K., and Lawver, R. G. (2018). The influence of school-based agricultural education on preservice agriculture teachers' choice to teach. *Journal of Agricultural Education*, 59(2), 64-78.
- Kantrovich, A. J. (2010). *A national study of the supply and demand for teachers of agricultural education from 2006-2009*. USA: American Association for Agricultural Education. Available at: <<http://www.naae.org>>.
- Kibaara, T. M., and Ndirangu, L. M. (2014). Parental involvement in their children's academic achievement in public secondary schools: A case of Kieni-West Sub-County, Nyeri County-Kenya. *International Journal of Education and Research*, 2(11), 411-422.
- Luekens, M. T., Lyter, D. M., and Fox, E. E. (2004). *Teacher attrition and mobility: Results from the teacher follow-up survey, 2000-01*. Washington, D.C.: U.S. Department of Education, National Center for Education Statistics (NCES 2004-301).
- Moswela, B. (2014). Students' academic achievement: Whose responsibility and accountability. *International Journal of Business and Social Science*, 5(10), 46-57.
- Njura, H. J., Kaberia, I. K., and Taaliu, S. T. (2020). Effect of agricultural teaching approaches on skills development for food security: A case of secondary schools in Embu County, Kenya. *Journal of Agricultural Education and Extension*, 26(3), 239-252.
- Narad, A., and Abdullah, B. (2016). Academic performance of senior secondary school students: Influence of parental encouragement and school environment. *Rupkatha Journal on Interdisciplinary Studies in Humanities Special Issue*, 3(2), 12-19.
- Otekunrin, A. O., Otekunrin, A. O., and Oni, L. O. (2019). Attitude and academic success in practical agriculture: Evidence from public single-sex high school students in Ibadan, Nigeria. *Asian Journal of Advanced Research and Reports*, 4(3), 1-18.



- Opfer, V. D., and Pedder, D. (2011). Conceptualizing teacher professional learning. *Review of Educational Research*, 81(3), 376-407.
- Sorensen, T. J., Lambert, M. D., and McKim, A. J. (2014). Examining oregon agriculture teachers' professional development needs by career phase. *Journal of Agricultural Education*, 55(5), 140-154.
- Stripling, C. T., and Ricketts, J. C. (2016). *Research priority 3: Sufficient scientific and professional workforce that addresses the challenges of the 21st century*. American Association for Agricultural Education national research agenda: 2016-2020, Gainesville, FL: Department of Agricultural Education and Communication, PP. 29-35.
- Shannon, G. S., and Bylsma, P. (2007). *The nine characteristics of high performing schools: A research based resource for schools and districts to assist with improving student learning*. Washington Office of Superintendent of Public Instruction (OSPI), January 2007. Available at: <<https://www.researchgate.net/publication/234614436>>.
- Twenter, J. P., and Edwards, M. C. (2017). Facilities in School-Based, Agricultural Education (SBAE): A Historical Inquiry. *Journal of Agricultural Education*, 58(3), 275-292.
- Taghibaygi, M., Rafe, M., and Moosavi, A. (2014). Analysis Students' Motivation in Vocational Schools and Agricultural Training Centers in Kermanshah Province toward Studying the Field of Agriculture. *International Journal of Advanced Biological and Biomedical Research*, 3 (1), 105-114.
- Tsikati., A. F., and Motsa, S. M. (2019). A comparative analysis of high and low performing schools in agriculture in eswatini. *Journal of International Agricultural and Extension Education*, 26(3), 72-85.



Article Type: Research Article

DOR: [20.1001.1.20081758.1401.18.2.7.2](https://doi.org/10.1001.1.20081758.1401.18.2.7.2)

Factors Affecting the Failure of Agricultural Vocational Schools in Khuzestan Province: Application of Grounded Theory

A. PiraMoon¹, M. Baradaran^{2*}, M. Savari³

(Received: Jul. 26. 2022; Accepted: Dec. 25. 2022)

Abstract

The main purpose of this study was to identify the factors affecting on the failure of agricultural vocational schools in Khuzestan province. In present study, with a qualitative approach, the Grounded Theory has been employed as the research method. In order to collect information, semi-structured interviews were used. According to its subject area, the scope of this research included managers and teachers of agricultural vocational schools in Khuzestan province. The study started with a purposeful sample and continued with theoretical sampling approach. Data analysis was done with MAXQDA software. The participants of this research included five managers and 25 teachers who worked in five agricultural vocational schools in Khuzestan Province. Three steps of open, axial, and selective coding were performed on the data. The results showed that the most important problems of agricultural vocational schools in Khuzestan province included Family obstacles (3 sub-categories), Research (1 sub-category), Educational (5 sub-categories), Motivational (3 sub-categories), institutional (13 sub-categories), Awareness and Attitude (3 sub-categories), Management (5 sub-categories) and Financial (3 sub-categories), overall (totally, 36 sub-categories). Therefore, through problems identification, we can help improve the quality of agricultural education and the interest of stakeholders in acquiring agricultural knowledge.

Keywords: Agricultural vocational schools, Grounded Theory, Khuzestan.

¹. Ph.D Student, Department of Agricultural Extension and Education, Agriculture Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran.

². Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education Agriculture Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran.

³. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Agriculture Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran.

* Corresponding Author, Email: baradaran@asnruk.ac.ir

